

بررسی وضعیت ازدواج و زناشویی استان‌های شمالی گلستان، گیلان و مازندران در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

صادق اکبری ، وحیدطفیوری ، مهرداد نوروزی فیروز

«ارایه شده در همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ - ۵ و ۶ آذر ماه ۱۳۹۲»

چکیده. تجزیه و تحلیل الگوهای ازدواج و وضعیت زناشویی به دلیل تاثیرگذاری غیر مستقیم بر باروری و افزایش جمعیت حائز اهمیت می‌باشد. در این مقاله از دیدگاه جمعیت‌شناسی و با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، سه استان شمالی کشور به تفکیک شهرستان‌ها برحسب جنس و وضع سواد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عمومیت ازدواج در این استان‌ها در سطح مطلوبی بوده است. میانگین سن در اولین ازدواج به روش هاینل نشان می‌دهد که این میزان برای مردان در هر سه استان شمالی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش و برای زنان به میزان کمی کاهش یافته است. نرخ مجرد قطعی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ در استان‌های مازندران و گلستان برای زنان یک درصد افزایش و در استان گیلان تغییر مشاهده نشده است همچنین در بین مردان تنها در استان گیلان شاهد افزایش یک درصدی بوده‌ایم. تغییرات میزان پیش‌رسی ازدواج در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ در استان‌های مازندران، گیلان و گلستان برای مردان به ترتیب $۰/۳$ ، $۰/۶$ - و $۰/۶$ - درصد و برای زنان به ترتیب $۰/۱$ ، $۰/۲$ - و $۰/۲$ - درصد می‌باشد. در تحلیل شهرستانی اختلاف قابل توجهی بین شاخص‌ها ملاحظه می‌شود به طوری که بیشترین درصد عمومیت ازدواج مردان در شهرستان مینودشت با $۹۹/۵$ درصد و کمترین مقدار آن در شهرستان‌های تالش و ماسال با ۹۶ درصد می‌باشد. بیشترین مقدار شاخص پیش‌رسی ازدواج زنان مربوط به شهرستان جویبار با ۴ درصد و در مردان مربوط به شهرستان رامیان به میزان ۵ درصد می‌باشد.

واژگان کلیدی. میانگین سن ازدواج؛ روش هاینل؛ نرخ مجرد قطعی؛ میزان پیش‌رسی ازدواج

۱- مقدمه

ازدواج و زناشویی به تغییر وضعیت فرد از حالت هرگز ازدواج نکرده به ازدواج کرده اطلاق می‌شود و از وقایع مهم در زندگی هر فرد محسوب می‌شود که عمل به آن تعهداتی را برای شخص در پی دارد. ازدواج نشان‌دهنده تمایلات یکی‌شدن سرنوشت دو جنس مخالف در چارچوب ارزش‌های حاکم بر هر جامعه است. در اکثر کشورهای در حال توسعه تحولات اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و اجتماعی دهه‌های اخیر سبب بروز تحولاتی در بسیاری از وقایع از جمله سن ازدواج شده است. از مهم‌ترین عوامل این تحولات می‌توان به متغیرهایی چون باسوادی، تحصیلات عالی، شهرنشینی، اشتغال زنان، بیکاری مردان و ... اشاره نمود. ازدواج در ایران هم از دیرباز دارای خصوصیت پیش‌رسی و فراگیری ازدواج بوده است. این ویژگی در سال‌های اخیر بنا به دلایلی که در بالا اشاره شد دستخوش تغییراتی شده است و مراحل انتقالی خود را طی می‌کند و منجر به بالا رفتن میانگین سن ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج و بالا رفتن مجرد قطعی شده است البته در بعضی از شهرستان‌ها شاهد عدم رشد یا کاهش شاخص‌های فوق هستیم. بر همین اساس در این مقاله سعی شده است تا به محاسبه شاخص‌های ازدواج و وضعیت زناشویی در سه استان شمالی به تفکیک شهرستان پرداخته شود.

۲- بیان مسأله

ازدواج در اکثر کشورها مجوز اجتماعی پذیرفته شده برای دو جنس جهت همزیستی و داشتن رابطه جنسی مشروع جهت تداوم زیستی جمعیت است. بنابراین ازدواج به عنوان یک پدیده اجتماعی و همچنین تحلیل آن حوزه مهمی در مطالعه فرایندهای جمعیت شناختی به ویژه سطوح و روندهای باروری جمعیت است. ازدواج و وضعیت زناشویی به عنوان یکی از عوامل بلافصل مهم باروری بوده که به طور غیرمستقیم شمار جمعیت را تحت تاثیر قرار می دهد. جمعیت شناسان برای توصیف الگوهای ازدواج هم بر زمان ازدواج و هم بر فراگیری آن توجه دارند. در بررسی زمان ازدواج ناگزیر باید به ارتباط آن با روندهای باروری اشاره کنیم چرا که سن ازدواج تعداد سالهایی است که یک زن در معرض احتمال بارورشدن و نهایت داشتن فرزند قرار می گیرد. به طور طبیعی زنانی که در سنین پایین ازدواج می کنند نسبت به زنانی که دیرتر ازدواج می کنند معمولاً تعداد باروری بیشتری خواهند داشت. همچنین سن ازدواج و فاصله نسل های بعدی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. ازدواج ها معمولاً با یک فاصله سنی بین زن و مرد به نفع مردان صورت می گیرد لذا در جوامعی که ساختار جمعیتی جوان دارند و هرم سنی آنها در قاعده هرم وسیع می باشد ازدواج زنان و مردان که تعدادشان یکی نیست باعث ماندن زنان می شود و فرصت ازدواج را از دست می دهند. در مواقع نادر احتمال وقوع چنین حالتی برای مردان نیز وجود دارد. به طور کلی عدم تعادل جنسی در سن ازدواج می توان دستیابی به همسر دلخواه را برای دو جنس محدود سازد. در چنین شرایطی مضیقه یا تنگنای ازدواج

رخ می‌دهد که می‌تواند ناشی از مهاجرت مردان، از دست‌رفتن مردان در اثر جنگ و تاثیرات رشد جمعیت به همراه اختلاف سن مرد و زن باشد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی طی دهه‌های اخیر سبب بروز تحولاتی در بسیاری از وقایع از جمله سن ازدواج شده‌است. از عوامل اقتصادی موثر بر عدم شکل‌گیری ازدواج می‌توان به نداشتن شغل، درآمد ناکافی، بالا بودن هزینه‌های ازدواج و انتظارات خانواده‌ها اشاره کرد. از جمله عوامل مهم اجتماعی که بر زمان ازدواج تاثیر می‌گذارند، می‌توان به تحصیلات زنان اشاره کرد؛ همچنین اشتغال زنان در خارج از خانه از عوامل تاثیرگذار می‌باشد. انتخاب همسر غیر اختیاری یا ازدواج‌های از پیش تعیین شده نیز از دیگر عوامل تاثیرگذار بر تاخیر ازدواج می‌باشد

ارتباط تنگاتنگ بین عوامل اجتماعی و جمعیتی که باعث تاخیر در سن ازدواج می‌شود بر کسی پوشیده نیست. دیویس معتقد است به دنبال تغییرات دموگرافیک، الگوهای جدید اجتماعی به صورت غیرآگاهانه پدید می‌آیند تا با تغییرات اساسی جمعیت‌شناسی موجود انطباق پیدا کنند. تغییراتی که به گفته دیویس ایده‌آل‌ها و الگوهای قدیمی را در این جوامع غیرعملی ساخته است و افراد را به سمت رفتارهای جدید و تغییر ساختار سنی نقش‌های اجتماعی مرد وزن سوق می‌دهد. از نظر جمعیت‌شناسان عمومیت ازدواج با نسبت ازدواج کرده‌ها یا هرگز ازدواج نکرده‌ها توصیف می‌شود. عمومیت ازدواج، درجه رواج آن را در جامعه نشان می‌دهد و مجرد، وضع افرادی است که هرگز ازدواج نکرده‌اند و مجرد قطعی یعنی اینکه افراد در طول زندگی شان مجرد باقی می‌مانند. نسبت مجرد قطعی شاخصی

است که اندازه‌اش متغیر و در جوامع مختلف به مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و مذهبی وابسته است و به نظر می‌رسد جنبه‌های عقیدتی و فرهنگی نقشی اساسی‌تر داشته باشد. سطح مجرد قطعی در یک کشور می‌تواند از علل اختیاری یا غیر اختیاری ناشی شود. رسوم اجتماعی، پاداش‌ها و مجازات‌ها نقش مهمی را در تعیین میزان مجرد بازی می‌کنند.

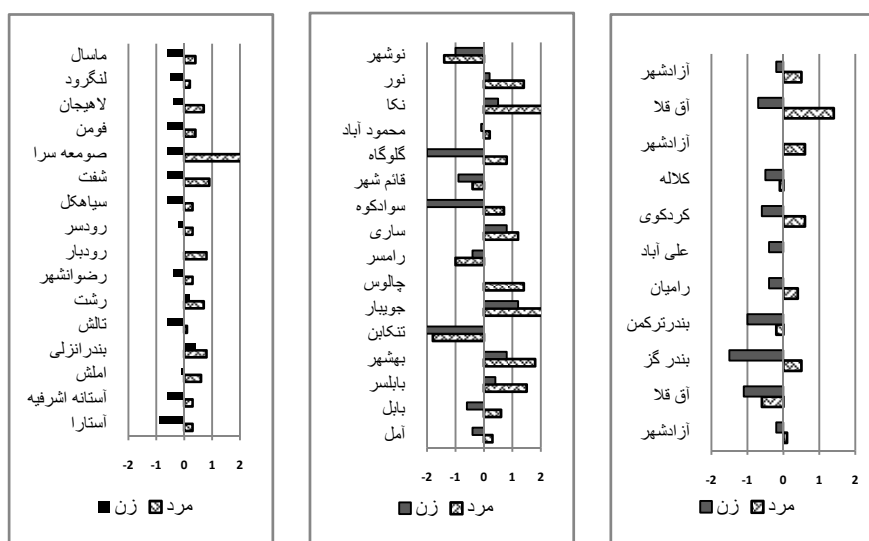
۳- میانگین سن ازدواج

برای محاسبه میانگین سن ازدواج از روش هاینل استفاده خواهیم کرد که اساس کار این روش استفاده از نسبت مجرد برای محاسبه میانگین سن ازدواج است. عدد محاسبه شده به ما می‌گوید که یک شخص به طور متوسط تا چه سنی مجرد مانده است. برای محاسبه این شاخص از رابطه زیر استفاده خواهیم کرد:

$$\bar{m} = \frac{15 + 5 \sum_{15-19}^{45-49} S_i - 5 \cdot S_5}{1 - S_5}$$

که در آن S_i نسبت مجرد در سن i ام است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج مردان در سال ۱۳۹۰ در استان‌های گلستان، گیلان و مازندران به ترتیب ۲۵/۴، ۲۷/۲ و ۲۶/۳ سال و برای زنان به ترتیب ۲۳/۴، ۲۴/۲ و ۲۳/۲ سال بوده است. مقایسه سن ازدواج زنان در فاصله سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در سه استان گیلان، مازندران و گلستان نشان می‌دهد که این شاخص در هر سه استان به ترتیب با ۰/۴، ۰/۵ و ۰/۵ سال کاهش مواجه بوده است که می‌تواند مقدمه‌ای برای پایین آمدن سن فرزندآوری در سال‌های بعد باشد به طور کلی میانگین سن ازدواج مردان استان گیلان ۲/۲۳ درصد، استان مازندران ۲/۴۰ درصد و استان گلستان ۰/۶۲ درصد رشد داشته است و تغییرات در بین زنان به ترتیب برابر ۱/۶۴، ۲/۰۸- و ۲/۰۲- بوده است. هنگامی که میانگین سن ازدواج مردان و

زنان بر حسب وضع سواد مورد بررسی قرار می‌گیرد در می‌یابیم که بین سن ازدواج مردان و زنان باسواد در سه استان تفاوت معنی‌دار و چشم‌گیری دیده نمی‌شود ولی در بین افراد بی‌سواد شاهد افزایش میانگین سن ازدواج هم در مردان و هم در زنان در فاصله سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ هستیم. بیشترین افزایش میانگین سن ازدواج مردان و زنان بی‌سواد مربوط به استان گیلان به ترتیب برابر $\frac{2}{3}$ و $\frac{1}{9}$ سال بوده است.



نمودار ۱: تغییرات میانگین سنی ازدواج استان‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۵ به تفکیک شهرستان

بررسی وضعیت شهرستان‌های سه استان بر حسب سواد و جنسیت در نقاط شهری و روستایی در جدول ۱ آمده است. بیشترین میزان دامنه تغییرات میانگین سن ازدواج زنان و مردان باسواد در کل نقاط شهرستان‌های سه استان به ترتیب مربوط به استان گیلان با ۴ سال و مازندران ۳/۶ سال بوده است. این شاخص در نقاط شهری برای زنان و مردان به ترتیب به میزان ۴/۴ و ۳/۸ سال مربوط به مازندران و در نقاط روستایی برای زنان و مردان به ترتیب به میزان ۹/۶ و ۳/۵ سال مربوط به استان گیلان بوده است.

این شاخص برای مردان و زنان بی‌سواد در کل نقاط شهرستان‌های سه استان به ترتیب مربوط به استان مازندران با ۹/۷ سال و گیلان ۸/۹ سال بوده است. این شاخص در نقاط شهری برای زنان و مردان به ترتیب به میزان ۱۲/۴ و ۹/۵ سال مربوط به مازندران و در نقاط روستایی برای زنان و مردان به ترتیب به میزان ۱۰/۴ مربوط به استان مازندران و ۹/۱ سال مربوط به استان گیلان بوده است.

جدول ۱: میانگین سن ازدواج شهرستان‌های سه استان برحسب سواد، جنسیت و نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰

وضع سواد	نقاط	جنسیت	گلستان		گیلان		مازندران	
			بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین
باسواد	کل	زن	بندرترکمن (۲۴/۴)	بندرگز (۲۲/۲)	شفت (۲۵/۶)	آستارا (۲۱/۶)	بهشهر (۲۴/۶)	گلوگاه (۲۰/۷)
		مرد	گرگان (۲۶/۵)	مراوه‌تپه (۲۴/۱)	بندرانزلی (۲۸/۹)	تالش (۲۵/۴)	چالوس (۲۸/۳)	محمودآباد (۲۴/۷)
	شهری	زن	بندرگز (۲۶/۲)	بندرترکمن (۲۴/۵)	لاهیجان (۲۵)	آستارا (۲۲)	نور (۲۵/۷)	گلوگاه (۲۱/۳)
		مرد	گنبدکاووس (۲۷/۱)	مراوه‌تپه (۲۴/۹)	بندرانزلی (۲۹/۱)	ماسال (۲۵/۵)	نور (۲۸/۹)	محمودآباد (۲۵/۱)
	روستایی	زن	گمیشان (۲۴/۸)	بندرگز (۲۱/۷)	رودبار (۲۶/۷)	آستارا (۱۹/۸)	ساری (۲۴/۳)	گلوگاه (۲۳)
		مرد	کردکوی (۲۵/۷)	مراوه‌تپه (۲۴)	شفت (۲۸/۵)	تالش (۲۵)	چالوس (۲۷/۸)	نوشهر-عباس‌آباد (۲۴/۵)
بی‌سواد	کل	زن	گمیشان (۲۷/۲)	رامیان (۲۱/۵)	رودسر (۲۸/۹)	تالش (۲۲/۳)	ساری (۳۲/۳)	نوشهر (۲۲/۶)
		مرد	بندرترکمن (۲۹/۳)	مینودشت (۲۴/۱)	بندرانزلی (۳۳)	تالش (۲۴/۱)	بهشهر (۳۱)	میانرود-محمودآباد (۲۴/۹)
	شهری	زن	بندرگز (۲۹)	رامیان (۲۳)	فومن (۳۱/۲)	تالش (۲۱/۹)	ساری (۳۲/۷)	محمودآباد (۲۰/۳)
		مرد	گمیشان (۳۱/۳)	رامیان (۲۶/۲)	بندرانزلی (۳۳/۴)	ماسال (۲۴/۵)	جویبار (۳۲/۲)	محمودآباد (۲۲/۷)
	روستایی	زن	گمیشان (۲۷/۲)	رامیان (۲۱/۳)	لنگرود (۲۸/۶)	تالش (۲۲/۴)	ساری (۳۲/۲)	سوادکوه (۲۱/۸)
		مرد	بندرترکمن (۲۸/۴)	گرگان (۲۳/۸)	مینودشت- (۳۳/۱)	بندرانزلی (۲۴)	بهشهر (۳۱/۳)	نوشهر (۲۴/۵)

۳- پیش‌رسی ازدواج

در اکثر کشورهای جهان، حداقل سن ازدواج را قانون مشخص می‌کند و در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد و این تفاوت برای مردان و زنان نیز صدق می‌کند. بنابراین افرادی که زودتر از سنی که قانون، شرع و یا عرف تعیین نموده ازدواج کنند ازدواج پیش‌رسی می‌گویند. محاسبه این نسبت برای زنان از تقسیم جمعیت زنان ازدواج کرده ۱۴-۱۰ ساله به کل جمعیت ۱۴-۱۰ ساله زنان و برای مردان از تقسیم جمعیت ازدواج کرده ۱۹-۱۵ ساله مردان به کل جمعیت مردان ۱۹-۱۵ ساله محاسبه می‌شود. شاید با بالا رفتن میانگین سن ازدواج انتظار بر این باشد که از یک گروه سنی بالاتر برای محاسبه نسبت استفاده شود. اما به دلیل بالا بودن نسبت گروه‌های سنی پایه در بعضی از شهرستان‌ها از فرمول‌های بالا برای مردان و زنان استفاده شد. نسبت مردان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله در استان گیلان ۲/۱ درصد، مازندران ۲/۵ درصد و گلستان ۳/۳ درصد و نسبت زنان ازدواج کرده برای استان‌های فوق به ترتیب ۱،۲/۴ و ۱/۷ درصد بوده است که گویای این مطلب است که نشانه‌های ازدواج زودرس، مردان و زنان در هر سه استان دیده می‌شود. نسبت ازدواج کرده در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله مردان در داخل شهرستان‌های سه استان شمالی نشان می‌دهد که شهرستان رامیان با ۴/۹۵ درصد بالاترین نسبت و شهرستان بندرانزلی با ۱/۰ درصد پایین‌ترین نسبت را در بین شهرستان‌های سه استان داشته‌اند. همچنین نسبت زنان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله در داخل شهرستان‌های سه استان شمالی نشان می‌دهد که شهرستان جویبار با ۳/۵۳

درصد بالاترین نسبت و شهرستان گمیشان با ۰/۵۱ درصد پایین ترین نسبت را در بین شهرستان‌های سه استان داشته‌اند.

–عمومیت ازدواج و مجرد قطعی

عمومیت ازدواج درجه رواج آن در جامعه را نشان می‌دهد و نسبت افرادی است که تا ۵۰ سالگی حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند. معمولاً عمومیت ازدواج در جوامع سنتی نزد زنان بیشتر از مردان می‌باشد. نسبت مجرد قطعی با عمومیت ازدواج نسبت عکس دارد یعنی هر میزان نسبت مجرد قطعی افزایش یابد، عمومیت ازدواج کاهش می‌یابد و رابطه زیر بین آنها برقرار است:

$$۱ = \text{عمومیت ازدواج} + \text{نسبت مجرد قطعی}$$

میزان عمومیت ازدواج مردان در سه استان گلستان، گیلان و مازندران در سال ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۹۹، ۹۸ و ۹۹ درصد که نسبت به سال ۱۳۸۵ تنها در استان گیلان یک درصد افزایش و بقیه بدون تغییر بوده‌است و برای زنان به ترتیب برابر ۹۸، ۹۸ و ۹۹ درصد که نسبت به سال ۱۳۸۵ استان‌های گلستان و مازندران یک درصد افزایش یافته‌اند. بررسی این شاخص در سال ۱۳۹۰ در شهرستان‌های استان گیلان نشان می‌دهد که تالش و ماسال با ۹۶ درصد و آستارا و آستانه اشرفیه با ۹۷ درصد پایین‌تر از متوسط استان و شهرستان‌های املش، بندرانزلی، شفت و لاهیجان با ۹۹ درصد بالاتر از متوسط استان جای گرفته‌اند. مقایسه شهرستانها بین سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که

شهرستان‌های تالش و ماسال از کاهش ۳ درصدی برخوردار بوده‌است. به همین نسبت به مجرد قطعی افزوده گردیده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد در اکثر شهرستان‌های استان گیلان نسبت مجرد قطعی نسبت به سال ۱۳۸۵ کاسته شده است. نسبت مجرد قطعی در شهرستان‌های استان مازندران نشان می‌دهد مردان در شهرستان‌های بهشهر، جویبار، چالوس و عباس‌آباد با ۲ درصد بالاتر از میانگین استانی و در بخش زنان شهرستان‌های جویبار، چالوس، ساری و نکا با ۴ درصد بالاترین نسبت مجرد را داشته‌اند. که در این بین شهرستان‌های جویبار و نکا نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش داشته‌اند. در استان گلستان شهرستان بندر گز در بخش مردان با ۲ درصد و ۵ درصد در بخش زنان بالاترین نسبت مجرد را داشته‌است و در مینودشت تغییر تقریباً برابر صفر بوده است.

۵- بحث و نتیجه گیری

۱- بررسی وضعیت زناشویی نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج زنان در سه استان شمالی با کاهش مواجه بوده است و استان مازندران با $\frac{3}{8}$ بیشترین کاهش را داشته است و این در حالی است که بیش از ۲۵ درصد شهرستان‌های این استان از افزایش سن ازدواج در سال‌های مذکور برخوردار بوده است.

۲- بررسی میانگین سن ازدواج مردان در فاصله سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در سطح شهرستان‌های سه استان شمالی گلستان، گیلان و مازندران نشان می‌دهد که این شاخص در اکثر شهرستان‌ها روند افزایشی داشته‌است. به طوری که شهرستان‌های جویبار و نکا در استان مازندران بیشترین میزان افزایش را داشته‌اند. همچنین شهرستان‌های تنکابن و نوشهر بیشترین میزان کاهش را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع میزان تغییرات این شاخص در بیشتر شهرستان‌ها تغییرات ملایم‌تری داشته‌اند.

۳- میانگین سن ازدواج مردان طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در نقاط روستایی استان گیلان و مازندران با افزایش و در استان گلستان با کاهش همراه بوده است. میزان تغییرات این شاخص در شهرستان‌های تنکابن، نوشهر و رامسر به ترتیب ۲/۹، ۷/۶ و ۵/۶ درصد کاهش و در شهرستان‌های نکا و جویبار به ترتیب ۱۱/۳ و ۱۰/۵ درصد افزایش داشته است. میانگین سن ازدواج برای زنان مناطق روستایی در هر سه استان با کاهش برخوردار مواجه بوده است. به طوری که در شهرستان‌های سوادکوه، ماسال و گلوگاه به ترتیب ۲/۹، ۱۵/۱۲ و ۱۱/۸ درصد کاهش و در شهرستان‌های سیاهکل، ساری و بابلسر به ترتیب ۶/۳، ۵/۶ و ۳ درصد افزایش مشاهده شده است.

۴- میانگین سن ازدواج مردان در فاصله سال ۹۰-۱۳۸۵ در نقاط شهری شهرستان‌های تنکابن و نوشهر به ترتیب با ۶ و ۵/۷ درصد بیشترین کاهش و شهرستان‌های جویبار با ۱۵/۳ درصد و نکا با ۱۱/۶ درصد بیشترین میزان افزایش را داشته‌اند. در خصوص زنان، شهرستان‌های تنکابن و سوادکوه به ترتیب با ۹/۹ و ۵/۶ درصد بیشترین کاهش و شهرستان‌های جویبار و نکا به ترتیب با ۱۱/۳ و ۸ درصد بیشترین میزان افزایش را به خود اختصاص داده‌اند.

۴- مقایسه میانگین سن ازدواج مردان و زنان بر حسب وضع سواد در سطح سه استان نشان می‌دهد که همواره میانگین سن ازدواج در افراد بی‌سواد بیشتر از سن ازدواج در باسوادان می‌باشد. این شاخص در نقاط روستایی و شهری نیز به همین صورت می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت همان‌طور که طی مدارج تحصیلی از عوامل افزایش سن ازدواج است، امروزه بی‌سوادی نیز به دلیل وجود مسایل اجتماعی، دسترسی کمتر به اشتغال یا اشتغال در سطوح پایین اجتماعی و سایر موارد می‌تواند بعنوان عامل بازدارنده ازدواج، مد نظر مسئولین و برنامه ریزان قرار گیرد. چرا که در چنین شرایطی ازدواج مجردین سخت‌تر می‌شود.

۵- عمومیت ازدواج مردان در اکثر شهرستان های سه استان شمالی بالاتر از عمومیت ازدواج زنان می باشد. به هر ترتیب عمومیت ازدواج در بین زنان و مردان بالای ۹۸ درصد بوده که نشان می دهد علیرغم بالابودن سن ازدواج، بالاخره افراد به ازدواج تن می دهند.

۶- پیامدهای سن ازدواج به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است و محققان و پژوهشگران در عرصه های جمعیت شناختی و سایر علوم اجتماعی راهکارهای متنوعی را در حل این معضل ارایه داده اند که از تغییر در الگوی ازدواج و تسهیل نمودن شرایط و زمینه های ازدواج گرفته تا ایجاد زمینه های تامین مشارکت بیشتر زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی را در بر می گیرد. اما به نظر می رسد امروزه باید بیشتر به جنبه های روانی ایجاد شده در افراد مجرد به دلیل مشکلات موجود از جمله بیکاری، نداشتن درآمد کافی، توقعات بالا، روابط غیر متعارف و... که منجر به عدم تمایل به ازدواج شده، پرداخت.

مرجع ها

- [۱] زنجان، حبیب اله ؛ (۱۳۷۶). تحلیل جمعیت شناختی انتشارات سمت، تهران.
- [۲] محمودیان، حسین (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- [۳] مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران.
- [۴] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران.
- [۵] میرزایی، محمد (۱۳۸۱). گفتاری در باب جمعیت شناسی کاربردی انتشارات دانشگاه تهران، تهران